

The role of property in criminal cases and its economic effects

Alireza Arab Sheibani¹, Hamidreza Mirzajani^{2*}, Abbas Sheykh al-Islami³

1. PhD Student Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
2. Assistant Professor Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
3. Associate Professor Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 95-107

Article history:

Received: 7 Feb 2022

Edition: 20 Feb 2022

Accepted: 12 Apr 2022

Published online: 25 Jun 2022

Keywords:

Separation, Criminal Case, Criminal Act, Ownership, Common Property

Corresponding Author:

Hamidreza Mirzajani

Address:

Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-1813-4472

Tel:

09151107444

Email:

drmirzajani@yahoo.fr

ABSTRACT

Background and Aim: The role and impact of property as a solid legal entity on criminal litigation becomes more obvious and its analysis necessary, changing the course and fate of a criminal lawsuit due to the acquisition or non-acquisition of ownership of the perpetrator or the victim on the property of the subject of the crime.

Materials and Methods: This research is of descriptive-analytical type and the author has conducted the research by library method and preparing receipts and referring to various laws, regulations and articles.

Ethical considerations: In the present study, fidelity in speech quoting has been considered by the authors as a moral requirement.

Results: The research findings indicate the significant role of ownership in the realization of the subject of criminal litigation and also its design. The effects of this situation will vary depending on the segregation or dispersal of the property subject to the crime.

Conclusion: In case of non-possession of the property of the innocent person on the property of the subject of the crime, the realization of the criminal act and the subject of the criminal lawsuit will be eliminated. The effect of ownership on criminal claims related to confiscated property is relative, and in the case of common property, with the exception of destruction and theft subject to hadd, it leads to the annulment of a criminal act and the filing of criminal lawsuits.

Cite this article as:

Arab Sheibani AR, Mirzajani HR, Sheykh al-Islami A. The role of property in criminal cases and its economic effects. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(2):95-107.

نقش مالکیت در دعاوی کیفری و آثار اقتصادی آن

علیرضا اعراب شیبانی^۱، حمیدرضا میرزاجانی^{۲*}، عباس شیخ الاسلامی^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۳. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تغییر مسیر و سرنوشت دعاوی کیفری به واسطه احراز یا عدم احراز مالکیت مرتکب یا بزه‌دیده بر مال موضوع جرم، نقش و تأثیر مالکیت به عنوان یک تأسیس حقوقی مستحکم، بر دعاوی کیفری را بیش از پیش آشکار و تبیین و ارزیابی تحلیلی آن را ضروری می‌سازد. **مواد و روش‌ها:** این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و نگارنده به روش کتابخانه‌ای و تهیه فیش و مراجعه به قوانین و مقررات و مقالات متعدد، اقدام به پژوهش نموده است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش پیش روی، امانت‌داری در نقل گفتار، به عنوان بایسته‌ای اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از نقش قابل توجه مالکیت در تحقق موضوع دعاوی کیفری و همچنین طرح آن است. آثار این وضعیت، به تفکیک افراز یا اشاعه‌ی مال موضوع جرم، متفاوت خواهد بود.

نتیجه: در صورت عدم احراز مالکیت مجنی‌علیه بر مال موضوع جرم، تحقق عمل مجرمانه و موضوع دعاوی کیفری منتفی می‌گردد. تأثیر مالکیت بر دعاوی کیفری راجع به مال مفروز، امری نسبی است و درخصوص مال مشاع نیز به استثنای تخریب و سرقت مستوجب حد، موجب انتفای تحقق عمل مجرمانه و طرح دعاوی کیفری است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۵-۱۰۷

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

واژگان کلیدی:

افراز، دعاوی کیفری، عمل مجرمانه، مالکیت، مال مشاع.

نویسنده مسوول:

حمیدرضا میرزاجانی

آدرس پستی:

ایران، مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

تلفن:

۰۹۱۵۱۱۰۷۴۴۴

کد ارکید:

0000-0003-1813-4472

پست الکترونیک:

drmirzajani@yahoo.fr

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین حقوق انسان، حقی است که وی نسبت به مال (اعم از عین، منفعت یا حق) تحت تملک خویش دارد که اصطلاحاً به آن، مالکیت اطلاق می‌گردد. امروزه مفهوم مالکیت، از پایه‌های اساسی و بنیادی هر جامعه تلقی گردیده و بخش قابل توجهی از مباحث حقوق مدنی به مثابه مادر سایر رشته‌های حقوق، حول محور مبحث مالکیت شکل می‌گیرد. مالکیت، علاوه بر مبانی و اصولی که در قواعد و مقررات حقوق مدنی و خصوصی دارد، در حقوق کیفری و بالاخص حقوق کیفری شکلی نیز دارای ابعاد قابل توجهی است. از نقطه نظر حقوق کیفری، مالکیت را با دو رویکرد متفاوت، می‌توان مورد مطالعه و تدقیق قرار داد: نخست؛ شناسایی و تحلیل مالکیت دعاوی کیفری (ذی نفع در دعاوی مطروحه) و دوم؛ تبیین و ارزیابی تأثیر مالکیت بر دعاوی کیفری با توجه به اشاعه یا افراز مال موضوع جرم. بر مبنای آنچه گفته شد و همچنین با توجه به ضرورت تبیین جایگاه مالکیت در حقوق کیفری بالاخص حقوق کیفری شکلی، در پژوهش پیش‌روی، بر آن هستیم تا با اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از روش مطالعات کتابخانه‌ای و فیش‌برداری، به تبیین و ارزیابی نقش مالکیت در دعاوی کیفری (بالاخص دعاوی کیفری مرتبط با نقض حقوق مالکانه) و همچنین آثار مترتب بر آن بپردازیم؛ بر این مبنا، پرسش اصلی پژوهش بدین صورت قابل طرح است که نقش و تأثیر مالکیت بر دعاوی کیفری چگونه است؟ فرضیه اصلی نیز بر این مبنا استوار خواهد

بود که با وجود نقش قابل توجه مالکیت در ابعاد مختلف دعاوی کیفری، ارزیابی تأثیر آن بسته به مفروضات یا مشاع بودن مال موضوع جرم، متفاوت خواهد بود. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های مرتبط (که در ادامه مورد اشاره واقع خواهند گردید) و همچنین جنبه نوآورانه‌ی آن، تبیین و تحلیل نقش مالکیت در دعاوی کیفری به طور کلی و نیز ارزیابی آثار مترتب بر آن به طور عام می‌باشد.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و نگارنده به روش کتابخانه‌ای و تهیه فیش و مراجعه به قوانین و مقررات و مقالات متعدد، اقدام به پژوهش نموده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در پژوهش پیش‌روی، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به عنوان مهمترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاکی از نقش قابل توجه مالکیت در تحقق موضوع دعاوی کیفری و همچنین طرح آن است. آثار این وضعیت، به تفکیک افراز یا اشاعه‌ی مال موضوع جرم، متفاوت خواهد بود.

۵. بحث

در این قسمت به عنوان بخش اصلی پژوهش، پس از بیان مختصر پیشینه و جنبه‌ی نوآورانه‌ی تحقیق، به تبیین و ابهام‌زدایی از مفاهیم کلیدی پرداخته و سپس در دو قسمت جداگانه، به مطالعه و ارزیابی نقش مالکیت در دعاوی کیفری و همچنین آثار مترتب بر این امر خواهیم پرداخت.

۵-۱. پیشینه پژوهش

در چارچوب موضوع مقاله پیش‌روی و مرتبط با آن، در میان پژوهش‌های انجام شده، آثار گران‌قدری به جامعه حقوقی کشور عرضه گردیده که هرکدام با رویکردی متفاوت، تلاشی در راستای تبیین چند و چون مالکیت و تحلیل نقش و تأثیر آن بر دعاوی کیفری داشته و در پژوهش پیش‌روی نیز به فراخور ارتباط موضوعی، قطعاً مورد استفاده واقع خواهند شد؛ به عنوان نمونه، خوانین‌زاده و همکاران در پژوهشی تحت عنوان جایگاه اموال عرفی فاقد مالیت شرعی در جرایم علیه اموال و مالکیت، با تقسیم اموال بر دو قسم اموالی که عرفاً و شرعاً مالیت دارند و اموالی که فقط مالیت عرفی دارند، بیان می‌دارند که حقوق مدنی، گروه دوم را به عنوان مال به رسمیت نمی‌شناسد؛ اما قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ربایش این‌گونه اموال را سرقت تعزیری می‌داند؛ گرچه سرقت حدی نمی‌داند. نویسندگان در پایان، به این رهیافت نائل می‌گردند که اساساً اموال نامشروع، موضوع جرایم علیه اموال و مالکیت قرار می‌گیرند؛ چرا که مفهوم مال در حقوق مدنی و کیفری با یکدیگر متفاوت

بوده و نمی‌توان مشروعیت را به عنوان شرط مال محسوب شدن (آن‌چنان که در حقوق مدنی مطرح است) پذیرفت و چنان‌چه جرمی علیه اموال نامشروع واقع شود (اعم از سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری و...)، مانعی برای تعقیب و رسیدگی این جرم، وجود نخواهد داشت. همچنین رضایی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان نقش مالکیت در تحقق تصرف عدوانی، با بیان اینکه در تصرف عدوانی حقوقی، دادگاه اساساً به موضوع مالکیت وارد نمی‌شود و سند مالکیت، تنها می‌تواند اماره سبق تصرف آن هم در مواردی باشد که دلیلی بر خلاف آن وجود ندارد؛ اما در تصرف عدوانی کیفری، به دلیل استفاده مقنن از برخی واژگان و اصطلاحات، این شائبه ایجاد شده است که احراز مالکیت شاکی برای تحقق این جرم لازم است، به مطالعه نقش احراز مالکیت در دعاوی تصرف عدوانی کیفری پرداخته و در پایان به این نتیجه رسیده است که مطالعه آرای قضایی نشان می‌دهد که درخصوص لزوم احراز مالکیت و همچنین دلیل مثبت مالکیت، بین دادگاه‌ها، وحدت رویه وجود نداشته و تناقضی بارز به چشم می‌خورد. میرمحمد صادقی و رحمتی (۱۳۹۵) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان ارتباط جرایم علیه اموال با مفاهیم حقوق مدنی، با بیان اینکه جرایم علیه اموال، با مفاهیم حقوق مدنی (به ویژه حقوق قراردادهای یا حقوق اموال و مالکیت)، ارتباط تنگاتنگ دارند و برای محکوم کردن کسی به ارتکاب یکی از این جرایم، ابتدا با استفاده از مفاهیم حقوق مدنی باید ثابت کنیم که شخص دیگری از یک حق مالی برخوردار

بوده است و این حق توسط متهم نقض شده است، به بررسی سه دیدگاه عمده درخصوص نقش مفاهیم تثبیت‌شده‌ی حقوق مدنی در تبیین جرایم مالی (نظریه استفاده، نظریه نادیده گرفتن و نظریه ارائه تعاریف جدید از مفاهیم مزبور) پرداخته‌اند.

۵-۲. مفاهیم پژوهش

شناسایی مفاهیم عمده در یک پژوهش، امری است که ممکن است در بدو نظر واجد اهمیت چندانی نباشد؛ اما واقعیت این است که بدون درک درست از مفاهیم یک نوشتار و رها نمودن مفاهیم از ابهام با مفهوم‌شناسی جامع، ورود در مباحث ماهوی پژوهش با اشکالاتی همراه خواهد بود.

۵-۲-۱. مالکیت

مالکیت در زمره حقوق بنیادینی است که از تأسیسات اصلی جامعه برای حمایت از شهروندان محسوب می‌شود و در بالاترین مرتبه قانون‌گذاری اکثر نظام‌های حقوقی به آن اشاره گردیده است (میرمحمد صادقی و رحمتی، ۱۳۹۵، ۴). مالکیت رابطه‌ای است میان شخص (مالک) و مال (مملوک) که به او امکان می‌دهد تا از آن مال، به هر صورت که مایل باشد، استفاده کند. این رابطه موجب می‌شود تا دیگران از تصرف در مال موردنظر منع شوند (صفری، ۱۳۷۹، ۱۰۶). حقوقدانان ایرانی (امامی، ۱۳۷۰، ۱، ۴۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۱۰۱)، سه وصف اساسی برای مالکیت به عنوان یک حق، ذکر کرده‌اند: مطلق بودن، انحصاری بودن و دائمی بودن. حقوقدانان معاصر انگلیسی، مالکیت را به

اختیار تام در استفاده یا واگذاری موضوع حق مالکیت بر حسب اجازه‌ی قانون تعریف می‌نمایند؛ از دیدگاه آنها، حق بهره‌گیری و تمتع و همچنین حق اتلاف و واگذاری نیز جزء اختیارات و حقوق مالک است (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۲، ۱۲۸). در حقوق معاصر فرانسه نیز مالکیت، نوعی حق شخصی بوده و رابطه‌ای است که به وسیله حقوق عینی ایجاد می‌شود و از بابت آن، شیء به شخصی اختصاص می‌یابد (ویژه، ۱۳۸۹، ۴۵۵). بایستی توجه داشت که حقیقت مالکیت، فقط یک اعتبار عقلایی است؛ وقتی شیء یا مالی در دست شخصی قرار داشته باشد، عقلاً، علقه‌ای را میان آنها اعتبار نموده مبنی بر اینکه این رابطه، منشاء تسلط شخص بر آن شیء یا مال است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ۱، ۵۳).

۵-۲-۲. دعاوی کیفری

واژه دعوی دارای ریشه عربی بوده و اسم مصدر است از ادعاء که به معنای خواهانی و آنچه خواسته شده (دهخدا، ۱۳۷۲، ۱، ۴۳۵) آمده است. همچنین به معنای ادعا کردن، خواستن، نزاع و دادخواهی (معین، ۱۳۷۵، ۱، ۹۸) و خبر دادن از حق بر ضرر دیگری در نزد حاکم (الزحیلی، ۱۴۱۸، ۸، ۵۹۸۱) نیز آمده است. صاحب مفتاح الکرامه، دعوی را عبارت از این می‌داند که شخصی حق خود را در حضور حاکم، از دیگری مطالبه کند (حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ۱۰، ۶۱). در قوانین موضوعه ایران، تعریفی از دعوا نشده است. اصل ۳۴ قانون اساسی، دادخواهی را از حقوق مسلم هر فرد می‌داند و در

اصل بعدی، از طرفین دعوا سخن گفته است؛ ولی تعریفی از دادخواهی و دعوا ذکر نکرده است. دعوای کیفری را می‌توان در رابطه با فعل، ترک فعل، حالت یا وضعیتی دانست که قانون برای مرتکب آن فعل یا ترک فعل و دارنده آن حالت یا وضعیت، ضمانت اجرای کیفری را مقرر داشته است. دعوای کیفری، به جامعه تعلّق دارد، دادستان به نمایندگی از جامعه، تعقیب آن را بر عهده داشته و نمی‌تواند آن را به غیر واگذار نماید؛ البته جایی که جنبه خصوصی جرم بر جنبه عمومی آن غلبه داشته باشد، قانونگذار، به جریان انداختن دعوای خصوصی را به اختیار زیان‌دیده نهاده است (کریمی و سعیدی‌نیا، ۱۳۹۵، ۳۵).

۵-۳. نقش مالکیت در دعوای کیفری

۵-۳-۱. نقش مالکیت در تحقق موضوع

دعوای کیفری

موضوع دعوای کیفری، عمل مجرمانه است؛ عمل مجرمانه عبارت است از فعل، ترک فعل، حالت یا وضعیتی که از جانب قانونگذار، مستوجب ضمانت اجرای کیفری دانسته شده است. عمل مجرمانه ممکن است طرح دو گونه دعوا را به همراه داشته باشد: دعوای عمومی از جانب مدعی‌العموم (دادستان) به طرفیت از جامعه و دعوای خصوصی از جانب مدعی خصوصی. مالکیت به مثابه یک تأسیس حقوقی ریشه‌دار، می‌تواند موجب تحقق یا عدم تحقق عمل مجرمانه به عنوان هسته‌ی مرکزی دعوای کیفری گردد؛ توضیح مطلب اینکه یکی از شرایط لازم به منظور تحقق جرایم علیه اموال،

تعلّق مال به غیر است و احراز این امر، مستلزم رجوع به کلیات مرتبط با حقوق مالکیت است (اسمیت و هوگان، ۲۰۰۵، ۱۹۹۱). بدیهی است که در صورت عدم احراز تعلّق مال به غیر مطابق موازین حقوق مالکیت، تحقق عمل مجرمانه و به تبع آن، موضوع دعوای کیفری نیز منتفی خواهد گردید؛ به عنوان نمونه، در پرونده‌های تصرف عدوانی کیفری، بخش قابل توجهی از محاکم و رویه‌ی قضایی (رضایی، ۱۳۹۸، ۶۵-۶۴) به این سمت و سو متمایل هستند که وجود مالکیت (مالکیت شاکی بر مال موضوع شکایت)، شرط اصلی برای طرح شکایت بوده و لذا در صورت عدم احراز آن، بایستی مبادرت به صدور قرار منع تعقیب نمود. همین گونه است در خصوص سه جرم سرقت، کلاهبرداری و خیانت در امانت که در آنها، تعلّق مال موضوع جرم به دیگری، شرط تحقق جرم است؛ البته بایستی توجه داشت که در نظام حقوقی ایران، منظور از تعلّق مال به غیر، تعلّق «عین» آن به دیگری (اعم از شخص حقیقی یا شخص حقوقی) است (میرمحمد صادقی و رحمتی، ۱۳۹۵، ۱۳) و با توجه به رویه قضایی ایران، تعمیم مال به منافع و خدمات ممکن نیست (حبیب‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۴۹). از مجموع آنچه گفته شد، می‌توان به این نتیجه رهنمون گردید که نقش احراز مالکیت در تحقق یا عدم تحقق دعوای کیفری، نقشی اصلی است که بایستی در درجه نخست و پیش از ورود به اصل دعوا، مطمئن نظر مرجع قضایی واقع گردد.

۵-۳-۲. نقش مالکیت در طرح دعاوی کیفری

(لزوم درخواست ذی‌نفع)

همانگونه که پیش‌تر نیز اشاره گردید، یکی از رویکردهایی که می‌توان بر مبنای آن، مالکیت را از نقطه‌نظر حقوق کیفری، مورد مطالعه قرار داد، شناسایی و تحلیل مالکیتِ دعاوی کیفری است که در این معنا، مراد از مالکیت، همان ذی‌نفع بودن در دعوی مطروحه است. به بیان ساده، یکی از نقش‌های مهم مالکیت در دعاوی کیفری، نقش آن در طرح دعاوی کیفری است. اصل لزوم درخواست ذی‌نفع در دعاوی (اعم از حقوقی و کیفری) برای آغاز فرآیند رسیدگی، بی‌شک یکی از اصول بنیادین دادرسی است (فرحزادی، ۱۳۷۹، ۴۰). در امور حقوقی، علاوه بر این که محاکم مطابق ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مکلفند به ذی‌نفع بودن خواهان در دعاوی طرح شده توجه نمایند، برای خواننده هم حق ایراد در این زمینه وجود دارد و موارد یازده‌گانه‌ی موضوع ماده ۸۴ قانون مزبور، از مصادیق ایرادات شکلی خواننده است که یکی از مهم‌ترین آنها، ایراد ذی‌نفع نبودن خواهان در دعاوی مطروحه می‌باشد. مسموع نبودن دعوا به لحاظ فقدان ذی‌نفعی خواهان برگرفته از حقوق فرانسه است که از موجبات عدم استماع دعوا تلقی شده است (شمس، ۱۳۸۵، ۳۲۲). در امور کیفری، قانون آیین دادرسی کیفری، در مورد مفهوم نفع و ذی‌نفع بودن، تعریفی به عمل نیاورده است (عباسی، ۱۳۹۵، ۴۲). بایستی توجه داشت که در تمامی جرایم (اعم از قابل گذشت و غیرقابل گذشت)، این دادستان است که مطابق وظیفه

مندرج در صدر ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مبادرت به تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی می‌نماید؛ بنابراین در خصوص جرایم غیرقابل گذشت به ضرس قاطع، می‌توان مدعی گشت که صرف تقاضای شاکی برای محکومیت و تعیین کیفر، کافی نبوده و لذا صدور قرار موقوفی تعقیب با استناد به ذی‌نفع نبودن شاکی، ناموجه و برخلاف موازین قانونی است؛ برخلاف جرایم قابل گذشت که چون شروع تعقیب، منوط به شکایت بزه‌دیده است و با گذشت او در هر مرحله از دادرسی، تعقیب کیفری متوقف و قرار موقوفی تعقیب یا اجرا صادر می‌شود، بنابراین صدور قرار موقوفی تعقیب با استناد به ذی‌نفع نبودن شاکی را می‌توان موجّه و قانونی قلمداد نمود. در مجموع، به نظر می‌رسد علیرغم مهم بودن بحث «نفع» هم در آیین دادرسی مدنی و هم در آیین دادرسی کیفری، مقنن در قانون، مواد بسیار محدودی به این بحث اختصاص داده است و در واقع مورد امعان نظر قانون‌گذار در زمان قانون‌گذاری، به عنوان موضوعی مستقل نبوده است (همان، ۹۰)؛ بنابراین اگرچه در کشور ما رویه قضایی بخشی از منابع حقوق به شمار می‌رود، اما برای پربار شدن این بخش از منبع حقوق، حداقل نیاز به وجود موادی از قانون بوده تا مورد استناد قضات و رویه قضایی دادگاه‌ها قرار گیرد.

۵-۴. آثار اقتصادی مالکیت در دعاوی کیفری

در این قسمت، آثار اقتصادی مالکیت در دعاوی کیفری را به تفکیک افراز یا اشاعه‌ی مال موضوع جرم، مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهیم داد.

۵-۴-۱. آثار مالکیت بر دعاوی کیفری راجع

به اموال مفروز

حقوق کیفری به منظور حمایت از حق مالکیت اشخاص، جرائم علیه اموال و مالکیت را پیش‌بینی نموده است. در جایی که شخصی به مال و مالکیت دیگری تعرض می‌کند، بر اساس یکی از جرائم پیش‌بینی شده در قانون، قابل مجازات است؛ لیکن چنانچه خود مرتکب، حق و سلطنتی بر مال موضوع رفتار مجرمانه داشته باشد، قابلیت ارتکاب جرم و به تبع آن امکان طرح دعاوی کیفری، بایستی به تفکیک هر جرم بررسی گردد (شریف‌فخر، ۱۳۹۲، ۷۲). قانونگذار کیفری ایران، پاره‌ای رفتارها از جمله ورشکستگی به تقلب و تقصیر (ماده ۶۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و مادتين ۵۴۱ و ۵۴۲ قانون تجارت)، معامله به قصد فرار از دین (ماده ۲۱ قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴) و دخالت در اموال توقیف شده (ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵) که مبین تضییع حق سایرین در مال خود مرتکب می‌باشند را جرم‌انگاری نموده است. لیکن در مورد سایر رفتارهای مجرمانه، بایستی با مطالعه‌ی موردی آنها، امکان تحقق جرم در حالت تعلق حق مرتکب به مال موضوع جرم و در نتیجه امکان طرح دعاوی کیفری را بررسی نمود؛ به عنوان نمونه، از

بین بردن اسناد و اوراق غیردولتی موضوع ماده ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، می‌تواند شامل حالتی شود که مرتکب، سند متعلق به خود را برای اضرار به دیگری تلف می‌نماید؛ یعنی احراز مالکیت مرتکب بر مال موضوع جرم، نافی امکان طرح دعاوی کیفری از جانب شاکی، مدعی خصوصی و ذی‌نفع نیست. همچنین درخصوص جرم ورود به عنف به ملک تحت تصرف دیگری (موضوع ماده ۶۹۱ قانون فوق‌الاشاره) نیز عدم مالکیت مجنی‌علیه بر ملک، نافی امکان طرح دعاوی کیفری از جانب وی نیست. بر مبنای آنچه گفته شد، از نظر نگارندگان، تأثیر اقتصادی مالکیت بر دعاوی کیفری راجع به مال مفروز (بخصوص آنجا که مرتکب عمل مجرمانه نسبت به آن مال، دارای حق باشد)، امری نسبی بوده و بایستی با توجه به ماهیت و شرایط خاص هر دعوا آن را بررسی نمود؛ به بیان دیگر، تأثیر مالکیت مرتکب عمل مجرمانه بر مال موضوع جرم بر امکان یا عدم امکان طرح دعاوی کیفری، امری نسبی است.

۵-۴-۲. آثار مالکیت بر دعاوی کیفری راجع

به اموال مشاع

ماهیت خاص مالکیت مشاعی و سکوت قانون مجازات اسلامی، امکان وقوع جرائم علیه مالکیت در مال مشاع را با تردید مواجه کرده و باعث ایجاد اختلاف آراء در رویه قضایی کشورمان شده است. از منظر فقهی، جرائم ارتكابی بر علیه اموال مشاع و مشترک از جانب یکی از شرکاء، عمدتاً تحت عنوان ارتکاب جرم بر علیه غنائم مطرح گردیده

است؛ به عنوان نمونه شیخ طوسی، بر این اعتقاد است که چنانچه غانم (غنیمت‌گیرنده) از ۴۵ مال مورد غنیمت، سرقت کند؛ به طوری که از سهم خودش بیشتر بوده و به اندازه نصاب سرقت باشد، دستش قطع می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷، ۴۶۸). محقق حلی نیز یکی از شرایط اجرای حد را «ارتفاع الشبهه» دانسته و می‌گوید که اگر سارق، با کسی در مالی مشترک باشد و به میزانی که تصور می‌کند به اندازه نصیبش است، سرقت کند، حد نمی‌خورد (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۲۳، ۳۴۵)؛ امام خمینی (ره) نیز بر این اعتقاد است که چنانچه شخصی، از مال مشترک، به مقدار سهمش برباید، قطع جاری نمی‌شود؛ ولی اگر آنچه ربوده است، به میزان نصاب سرقت باشد، قطع جاری می‌شود (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۲، ۴۸۳). از منظر حقوقی نیز دسته‌ای از حقوقدانان (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹، ۸۳؛ صالح ولیدی، ۱۳۹۵، ۱، ۳۳۲) به دلیل اینکه مال مشاع را نمی‌توان به معنای واقعی آن، مال غیر دانست؛ ارتکاب جرائم علیه اموال توسط یکی از شرکای مال مشاع را قابل تصور نمی‌دانند؛ چرا که هر یک از شرکاء در هر ذره از مال شریک‌اند و شریک می‌تواند بر هر ذره از مال، ادعای مالکیت داشته باشد؛ در مقابل، برخی دیگر از حقوقدانان (شامبیاتی، ۱۳۸۸، ۲، ۴۸؛ گلدوزیان، ۱۳۹۸، ۲۹۹؛ سیروس و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۲۳؛ حبیب‌زاده و شاملو، ۱۳۸۱، ۵۱) بر این باورند که چون همه شرکاء در تمامی اجزای مال، شریک هستند، نمی‌توان آن را مال هر یک از شرکاء دانست و مالکیت طرف دیگر، به خودی خود باید مورد احترام قرار گیرد؛ لذا رفتار

مجرمانه هر یک از شرکاء در مال مشاع، جرم محسوب می‌شود. درخصوص جرم تخریب مال مشاع توسط یکی از شرکاء، رأی وحدت رویه‌ای از دیوان عالی کشور به شماره ۱۰ در تاریخ ۱۳۵۵/۷/۲۱ صادر شده که این جرم را با شرایطی ممکن دانسته است؛ همچنین سرقت مال مشاع توسط شریک در ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذیل کتاب حدود، با شرایطی امکان‌پذیر دانسته شده است؛ ولی در دیگر موارد از جرائم علیه مالکیت، ساکت است (باقری کمارعلیا و نصرتی صدقیانی، ۱۳۹۵، ۱۶۴). با در نظر گرفتن سیر تحولات قانون‌گذاری، مبنای جرم‌انگاری در جرائم علیه اموال و مالکیت مشاع و همچنین مبنای فقهی و رویه قضائی، بایستی گفت که طبق مقررات فعلی، تسری دادن جرائم علیه اموال مشاع به سایر موارد، برخلاف اصول و قواعد حاکم بر تفسیر قوانین کیفری است (پوربافرانی و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۱)؛ بنابراین درخصوص سایر جرائم علیه اموال مشاع مانند: انتقال مال مشاع، کلاهبرداری و خیانت در امانت نسبت به آن، هرچند جرم‌انگاری آنها مطلوب است، ولی در حال حاضر، فاقد وصف کیفری بوده و صرفاً دارای ضمانت اجرای مدنی‌اند؛ زیرا اولاً: هرچند که از منظر منطق حقوقی، تفاوتی میان سرقت حدی و تخریب مال مشاع با سایر جرائم علیه اموال مشاع وجود ندارد و در این مورد تفصیل، بدون دلیل است؛ چرا که به وضوح، حق مالی شریک نقض می‌گردد؛ اما با توجه به استقلال حقوق کیفری نسبت به حقوق مدنی، نمی‌توانیم به صرف توسل به تفسیرها و ضمانت اجرای حقوق

۶. نتیجه

مالکیت در حقوق کیفری و بالاخص حقوق کیفری شکلی، دارای ابعاد قابل توجهی است. تغییر سرنوشت دعوای کیفری به واسطه احراز یا عدم احراز مالکیت مرتکب یا بزه‌دیده بر مال موضوع جرم، نشانگر نقش غیرقابل انکار مالکیت به‌مثابه‌ی تأسیس حقوقی ریشه‌دار بر دعوای کیفری است. درخصوص نقش مالکیت در دعوای کیفری، نقش مزبور را می‌توان در دو مصداق کلی و مهم جستجو نمود: نخست؛ نقش مالکیت در تحقق موضوع دعوای کیفری؛ بدین معنا که در صورت عدم احراز تعلق مال به دیگری در جرائم ارتكابی علیه مالکیت غیر، تحقق عمل مجرمانه و به تبع آن موضوع دعوای کیفری منتفی می‌گردد و دوم؛ نقش مالکیت در طرح دعوای کیفری؛ بدین معنا که مالکیت دعوای کیفری، همان ذی‌نفع بودن در دعوای مطروحه است. البته در این مورد، بایستی میان دعوای کیفری ناظر بر جرایم قابل گذشت با دعوای کیفری ناظر بر جرائم غیرقابل گذشت، قائل به تفکیک گردید؛ بدین صورت که درخصوص جرایم غیرقابل گذشت، صدور قرار موقوفی تعقیب با استناد به ذی‌نفع نبودن شاکی، برخلاف موازین قانونی است؛ در حالی که در جرایم قابل گذشت، صدور قرار مزبور با استناد به ذی‌نفع نبودن شاکی را می‌توان موجه و قانونی قلمداد نمود. درخصوص آثار مالکیت بر دعوای کیفری نیز بایستی آثار مزبور را با توجه به اینکه مال موضوع جرم، مشاع است یا مفروز، جداگانه مورد مطالعه و تحلیل قرار داد. تأثیر مالکیت بر دعوای کیفری راجع به مال مفروز

مدنی، در این مورد، برای موارد غیرمصرّح نیز قائل به ضمانت اجرا شویم. ثانیاً؛ در تسرّی دادن «مال غیر» به «مال مشترک»، با ابهامی معقول مواجه می‌شویم که قاعده تفسیر محدود اقتضا می‌کند مفسّر، خود را قائم‌مقام قانون‌گذار خیال نکرده و مانع از چنین تعمیمی گردد؛ بنابراین می‌توان تجاوزات شرکاء به حقوق مالی دیگر شرکاء را جرم‌انگاری نمود؛ ولی باید توجه نمود که امکان تحقق جرائم علیه اموال مشاع، با توجه به مقررات فعلی، در غیر موارد مصرّح (جرم تخریب به استناد رأی وحدت رویه و جرم سرقت مستوجب حد به استناد ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) وجود ندارد و این نظریه، با اصول تفسیر قوانین کیفری از قبیل اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و منع توسل به قیاس در تفسیر قانون نامساعد، سازگار است (همان، ۴۴-۴۳). ماحصل بحث در این قسمت را می‌توان اینگونه بیان داشت که مهم‌ترین تأثیر مالکیت بر دعوای کیفری راجع به اموال مشاع را می‌توان در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری دعوای مورد نظر مشاهده نمود؛ توضیح مطلب اینکه به استثنای دعوای کیفری تخریب و سرقت مستوجب حد (که در مورد آنها با رأی وحدت رویه و صراحت قانونی مواجه هستیم)، در سایر دعوای کیفری همچون سرقت، انتقال مال غیر، کلاهبرداری، خیانت در امانت و... در صورت احراز اشاعه‌ی مال موضوع جرم و ارتکاب عمل مجرمانه از جانب یکی از شرکاء، شکل‌گیری و طرح دعوای کیفری در این ارتباط، منتفی خواهد گردید.

(بخصوص آنجا که مرتکب عمل مجرمانه نسبت به آن مال، دارای حقی باشد)، امری نسبی بوده و بایستی با توجه به ماهیت و شرایط خاص هر دعوا آن را بررسی نمود. در خصوص آثار مالکیت بر دعاوی کیفری راجع به مال مشاع نیز می‌توان گفت که به استثنای دعاوی کیفری تخریب و سرقت مستوجب حد (که در مورد آنها با رأی وحدت رویه و صراحت قانونی مواجه هستیم)، در سایر دعاوی کیفری، در صورت احراز اشاعه‌ی مال موضوع جرم و ارتکاب عمل مجرمانه از جانب یکی از شرکاء، شکل‌گیری و طرح دعاوی کیفری در این ارتباط، منتفی خواهد گردید.

۷. سهم نویسندگان

در این پژوهش، نویسنده دوم به عنوان نویسنده مسئول، نویسنده نخست به عنوان همکار اصلی و نویسنده سوم نیز ناظر تحقیق می‌باشند.

۸. تضاد منافع

در پژوهش انجام شده، هیچگونه تضاد و تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- رضایی، علی، «نقش مالکیت در تحقق تصرف عدوانی»، فصلنامه رأی، دوره هشتم، شماره بیست و شش، ۱۳۹۸.
- سیروس، قادر، شکری، رضا، کوشا، جعفر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی (دکترین و رویه کیفری ایران)، چاپ نهم، تهران، انتشارات مهاجر، ۱۳۸۹.
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی: جرائم علیه اموال و مالکیت، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، انتشارات ژوبین و مجد، ۱۳۸۸.
- شریف فخر، زینب، «تأثیر مالکیت مرتکب در جرائم علیه اموال و مالکیت در حقوق کیفری ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده شهید باهنر کرمان، دانشکده حقوق و الهیات، ۱۳۹۲.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۵.
- صالح ولیدی، محمد، حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه اموال و مالکیت، جلد اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۵.
- صفری، علیرضا، «موانع فقهی و حقوقی خروج قهری اراضی از مالکیت خصوصی اشخاص و راهکارهای آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه دامغان، دانشکده حقوق، ۱۳۷۹.
- الزحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، جلد هشتم، دمشق، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸.
- امام خمینی (الموسوی الخمینی)، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.
- باقری کمارعلیا، محمد، نصرتی صدقیانی، ناصر، «بررسی امکان تحقق جرم علیه اموال مشاع توسط شریک»، فصلنامه پژوهش های حقوقی، دوره پانزدهم، شماره بیست و نه، ۱۳۹۵.
- پوربافرانی، حسن، محمودیان اصفهانی، کامران، مالمیر، محمود، «مفهوم مالکیت مشاع در تحقق جرائم علیه اموال»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ششم، شماره یازده، ۱۳۹۳.
- حبیبزاده، محمدجعفر، تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱.
- حبیبزاده، محمدجعفر، شاملو، باقر، «سرقت مال مشاع»، دو فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، شماره دو، ۱۳۸۱.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، جلد دهم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹.

- طباطبایی یزدی، سید کاظم، حاشیه المکاسب، جلد اول، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۱.
- طوسی، محمد بن الحسن، الخلاف، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷.
- عباسی، معصومه، «مفهوم نفع در حقوق آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری با تکیه بر رویه قضایی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه سمنان، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۵.
- فرحزادی، علی اکبر، «معرفی اجمالی اصول بنیادین در دادرسی اسلامی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره‌های نوزده و بیست، ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، چاپ هفتم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۲.
- کریمی، عباس، سعیدی‌نیا، محسن، «شناخت خواهان دعوای خصوصی ناشی از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتادم، شماره نود و پنج، ۱۳۹۵.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی: جرائم علیه تمامیت جسمانی، شخصیت معنوی، اموال و مالکیت، امنیت و آسایش عمومی (۱)، (۲) و (۳)، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۸.
- محقق حلّی، جعفر بن الحسن (علامه)، الشرائع، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر علوم دانشگاهی، ۱۳۸۳.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ نهم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای اختصاصی ۲: جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ پنجاه و نهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۹.
- میرمحمد صادقی، حسین، رحمتی، علی، «ارتباط جرایم علیه اموال با مفاهیم حقوق مدنی»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره سیزدهم، شماره یازده، ۱۳۹۵.
- ویژه، محمدرضا، «مراجع صیانت از قانون اساسی و حمایت از مالکیت: نگرشی تطبیقی بر عملکرد مراجع صیانت از قانون اساسی ایران و فرانسه»، فصلنامه پژوهش حقوق، دوره دوازدهم، شماره یازده، ۱۳۸۹.

منابع لاتین

- Smith, J.C., Hogan, B., Criminal Law, 11th ed, London, Oxford University Press, 2005.